

یادداشتهای بی تاریخ

صدرالدین الهی

E-mail: elahi1@aol.com • Fax: (925) 930-7868

به نقل از کیهان چاپ لندن

وای از این دنیای دیوانه... دیوانه... دیوانه...

۱۵ اشاره

در چهار هفته ای که تمام صفحه را به بازیهایی المپیک اختصاص دادیم جهان و ایران ما اتفاقاتی را پشت سر گذاشت که نمی توان آسان از آنها گذشت. اتفاقاتی که همکاران دیگر و مفسران سیاسی درباره اش نوشته اند اما یادآوری آن برای پی تاریخی یادداشتهای لازم است. ما در این چهار هفته شاهد آن بودیم که:

۱- دولت سرسپرده و یکدله ای چون دولت ژنرال پرویز مشرف رئیس جمهوری پاکستان زیر فشار سیاسی متحدان مخالف خود و طبعاً با اشاره و رضایت دولت ایالات متحده آمریکا از سمت خویش استعفا داد و کنار رفت و من عکس پاره و لگد کوب شده او را در خیابانهای پاکستان دیدم همراه با رقص و شادی و دست افشانی هایی خودجوش و بی ریشه که همیشه در کشورهای جهان سوم می توان مشاهده کرد.

۲- در همین احوال دولت بیهی روس به دو ایالت اوستیای جنوبی و ابخاز حمله برد به بهانه این که این دو ایالت مظلوم زیر چکمه سربازان گرجی از نعمت آزادی محرومند، باید به کمک بخشی از آن اتحاد جماهیر سوسیالیستی از دست رفته شتافت و به همولایتی های رفیق رهبر بزرگ بشریت «استالین کبیر» ثابت کرد که ما هنوز هستیم و این کرملین است که تصمیم می گیرد.

۳- آقای المالکی نخست وزیر عراق شروع به نق نق کرده است که حضرات مهمانان محترم آمریکایی، شما کی خیال دارید که کشور متعمم از دموکراسی تهجمی خود را ترک کنید و کار عراق را به دست خود ما بسپارید؟ مگر نه این که قرار بود صدام یزید را مرخص کنید و بعد خود مرخص شوید؟ کار ما با حضور شما دچار اشکال است.

۴- آن یکی آقای حامد کرزای هم در افغانستان سربلند کرده که این کشت و کشتارهای نیروهای متحدین از طالبان افغانی و پاکستانی موقعیت کدخدای کابل و حومه را حتی در خود این شهر به خطر انداخته است و بالاخره اینطور نمی شود به ریاست جمهوری سرزمین جنگبارگان ادامه داد و شاید اگر این فشارها زیاد شود مخلص با چند صندوق لباس رنگارنگ و کنفرانس پسند مثل خانم هیلاری کلینتون با کلکسیون کت و دامنه های رنگارنگش، ممکن است صحنه را ترک بگویم. ۵- در ایران رهبر مظم که گویا قرار است در المپیک معلولین برای تیم والیبال جانبازان سرو بزند اعلام کرد که ما خواهان تنش بیشتر و آشوب فراوان تریم چرا که در دنیای وانفسای فعلی جز «ارتجاع سیاه» به قول محمدرضا شاه راه دیگری وجود ندارد. بنابراین شاید در آینده تصمیم گرفتیم که نام جمهوری اسلامی را به جمهوری ارتجاعی میدل کنیم.

۶- به قول علمای سیاسی «در همین راستا» اعدامهای جوانان و نوجوانان رونق گرفت تا دنیا بدانند که در یک رژیم ارتجاعی، حقوق بشر جایی ندارد و اعدام پسر بچه پانزده ساله که از نظر شرع مبین مکلف است به کوری چشم نامسلمانان جهان میسر است و باید کاری کرد که بچه ها حد خود را بفهمند و به ناله مداران آنها و خود آنها و امثال سیمین بهبهانی گوش نداد.



۷- و ناگهان رفیق کیم جونگ ایل رهبر عالیقدر کره شمالی هم زیر تهدات انهدام تأسیسات اتمی خود زد و به ریش ارکستر سنفونیک آمریکا که به پیونگ یانگ رفته بود، چون کره ای ها قهقهه بلند نیستند، لبخند ملیحی زد و تلویحا گفت که وقتی توانستید دوستان ایرانی را از این کار منصرف کنید ما هم در رکاب خواهیم بود.

۸- اما در این احوال ایالات متحده آمریکا هم به ریش دوستداران بسبب اتم خنديد و معلوم شد که سازمان اطلاعاتی سیا یک پدر و دو پسر سوسی را به نام «تنبر» که واسطه معاملات و وسایل غنی سازی اورانیوم برای کره و ایران و لیبی توسط شبکه عبدالقادر خان پاکستانی بوده اند به مبلغ گزافی از جمله یک چمدان حاوی ده میلیون دلار نقد خریداری کرده و کلید اطلاعات مربوطه را به دست آورده است. شرح این رسوایی، یک صفحه تمام نیویورک تایمز دوشنبه ۲۵ اوت را پر کرده بود.

۹- و آنگاه ناگهان میان دو متفق دموکرات و دست و دل پاک پاکستانی که برای سرنگونی مشرف به حیاط خلوت سیاست مشرف شده بودند، اختلاف افتاد و هر کدام به روی آن دیگری شمشیر کشید. آقای «آصف علی زرداری» شوهر بلوچ مرحومه بی نظیر بوتو با آقای نواز شریف نخست وزیر پاکستان بهم زدند و هنوز مرکب توافق آنها و استعفای مشرف خشک نشده از هم جدا شدند و شیخ اجل فرموده خود را اصلاح کرد و به این صورت نوشت: «دو راهزن در شاهراه غارت نکنجند و میلیونها گرسنه بر خاک سیاه بخصبند».

۱۰- این هر دو آقای در حکومتی قبلی به جرم فساد مالی محاکمه شده بودند و هر دو در تبعید بسر می بردند و بعد از این که ژنرال مشرف نتوانست آرزوهای مبارزه با تروریسم را برآورده سازد، سینه سپر کرده به وطن باز گشتند که: این منم طاووس علیین شده و حالا مثل این که چشمشان به پای گذشته افتاده و چتر «این منم» را بر چیده اند.

۱۱- در این هنگامه، ناگهان فریاد وزارت خارجه آمریکا از بی سر و سامانی مدیریت برخواست چرا که معلوم شد آقای زالمای خلیل زاد نماینده آمریکا در سازمان ملل، اولین سفیر بعد از آزادی افغانستان و سفیر پیشین آمریکا در بغداد که عملاً مومیایی همه شکستگی های سیاست خارجی در خاورمیانه در سالهای اخیر بوده است با آقای آصف علی زرداری پاکستانی سر و سری داشته و با هم مکاتبات دوستانه ای داشته و نیز قرار بوده در دویچه که ظاهراً هر دو خانه دومی در آنجا دارند، با هم مذاکراتی بکنند و لابد قراردادی بگذارند.

۱۲- این آقای خلیل زاد کارهایی می کند که مورد پسند بخشی از تشکیلات وزارت خارجه نیست از جمله در مجمع اقتصادی داوس که اسمال در سوئیس برگزار شد او بدون اجازه مقامات بالاتر، صاف رفت و کنار دست نماینده جمهوری اسلامی نشست و لابد به لهجه فصیح دری مطالبی به نمایندگان ایران در فواید بهبود روابط فیما بین بیان داشت.

۱۳- اهل بخیه اولی می گفتند که به دنبال ناز و عشوه آقای کرزای ممکن است که آقای زالمای خلیل زاد دوباره با

است و اگر تحریم ها افزون شود بیم انفجار از درون قوت می گیرد و به همین جهت اولیای «نظام» در فکر چاره جویی هستند. همه حرف من در این یادداشت کوتاه درباره «نظام» است. نظامی که از آن صحبت می شود چیست؟ آیا ما در ممالک موجود روی زمین نظام مشابهی داریم که نظام ایران را با آن بسنجیم؟

جواب روشن است. نه. زیرا رژیم حاضر ایران حتی شبیه رژیمهای استبدادی تاریخ گذشته ایران و سیستم های خود کامه امروز جهان نیست. این رژیم پایه هایش بر استبداد استوار نشده زیرا تمام ظاهر دموکراسی را از جهت انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و انجمنهای ایالتی و ولایتی دارد اما در نهایت کل «نظام» یک «نظام ارتجاعی» است. ارتجاع به معنی بازگشت به مفاهیمی است که در آن قوانین نانوشته بر قوانین نوشته حاکم است. نظام ارتجاعی است وقتی که مردم رأی می دهند، نماینده انتخاب می کنند و بعد یک شورایی یا یک فردی می گوید ملاک رأی مردم نیست.

هر چند که آیت الله خمینی فرموده باشد که میزان، رأی مردم است. رژیم ارتجاعی است وقتی که به مردم می گویند شما به این آدمها که از صافی ما رد شده اند رأی بدهید. این آدمها چه کسانی هستند. آنها کسانی هستند که جوهر نظام استبدادی را پذیرفته اند. اگر همه مردمی که به آنها رأی داده اند در خیابانها راه بیفتند و از منتخبین خود بخواهند که کاری را که بر عهده آنهاست انجام دهند، انتخاب شدگان در جواب مردم می گویند چون «نظام» با این امر موافقت ندارد ما تسلیم شما نمی شویم و به امر «نظام» گردن می گذاریم. این نظام استبدادی نیست. استبداد را می شود با زبان خوش و یا لاقابل با انقلاب تبدیل به مشروطه کرد اما ارتجاع آن چیزی است که تا روز خاکستر شدن، آتش از گورش بلند می شود.

گفته می شود ممکن است یک سردار سیاه که بازوی مقتدر حکومت است بیاید و رئیس جمهور شود. اما به یاد داشته باشیم که این سردار سیاه در هر حال بخشی از ارتجاع است و خود مترجم. باز می گویند ممکن است مردان سیاسی میانه رو به میدان بیایند. باز می گوئیم این میانه رو، در داخل نظام ارتجاعی شکل گرفته است و بخشی از ارتجاع است و خود مترجم. اما سر و صدایی که اخیراً دوباره در پیرامون آقای سیدمحمد خاتمی و تشویق ایشان به «میدان آمدن» راه افتاده موضوعی است که به کاریکاتورهای توفیق و باباشمال می برد؛ به این جهت است که مقاله نوشابه امیری را در زیر می آورم و بعد چند سطر می آن می افزایم.

دو دست خاتمی

نوشابه امیری آقای عبدالله رمضان زاده، از چهره های جدی اصلاح طلبی در ایران در مورد حضور آقای خاتمی در انتخابات گفته است: باید برای آمدن او تلاش کرد؛ هر چند خاتمی تردیدهایی دارد که ما باید سعی کنیم آن تردیدها رفع شوند. من اما به عنوان یک شهروند، این جمله را چنین اصلاح می کنم: باید برای برگذاری یک انتخابات سالم و آزاد تلاش کرد؛ هر چند مردم ایران، تردیدهایی دارند که آقای خاتمی و طرفداران حضور ایشان در انتخابات، باید سعی کنند آن تردیدها رفع شوند.

من نیز همانند میلیون ها نفر، چه در دوم خرداد ۷۶ و چه چهار سال پس از آن- اگرچه بار دوم با تردید بسیار- به آقای خاتمی رأی دادم. هنوز هم به رغم بحث های مختلفی که در ارتباط با شخص محمد خاتمی مطرح می شود بر این باورم که وی با نیت «اصلاح» آمد اما به دلایل متعدد، چشم را هم کور کرد و رفت.

پاسپورت افغانی برگردد و کابل و کار ریاست جمهوری افغانستان را متصدی شود. اما او خود این موضوع را تکذیب کرد و آن را بی پایه دانست. آخر ریاست جمهوری ده کوره افغانستان کجا و نمایندگی آمریکا در سازمان ملل کجا؟

۱۴- در همین احوالات ناگهان مردم اوستیای جنوبی و ابخاز گرجستان هوس استقلال کامل به سرشان زد و البته این بار سوم است که مردم محلی می خواهند از گرجی ها جدا شوند. منتهی این بار نه تنها حضور نیروی نظامی روسیه که تأیید بالاتفاق پارلمان این کشور از استقلال این دو مملکت، نه آمریکا که اتحادیه اروپا را هم عصبانی کرد و هنگامی که آقای دیمتری مدودوف رئیس جمهور روسیه- البته با اجازه آقای پوتین نخست وزیر- رأی مجلس را پذیرفت و اعلامیه شناسایی استقلال دو منطقه را امضا کرد. اروپا دچار این تردید شد که این آغاز جنگ سرد دوم است یا مقدمه جنگ گرم سوم؟ و مردم دو منطقه با ساز و سرنا و پرچم ملی خود در خیابانها به رقص و پایکوبی پرداختند.

۱۵- فکر می کنم این همه اشاره برای چهار هفته غیبت کافی بود و فقط خبری که مانده و شاید کمتر توجهی به آن شده این است که خانم کارل تاجر دختر لیدی مارگارت تاجر بانوی آهنگین نخست وزیر انگلستان رسماً اعلام کرد که مادر محترمه اش مدتی است که دچار جنون و فراموشی شده و به این جهت در انتظار ظاهر نمی شود. این شعر شاید زبان حال آن بزرگوار باشد:

یاد ایام جوانی جگرم خون می کرد

خوب شد پیر شدم کم کم و نسیان آمد

مرگ بر استبداد، سلام بر ارتجاع

در جریان حرکات مقدماتی برای انتخابات ریاست جمهوری ایران که در تابستان سال آینده باید صورت پذیرد، صحبت از روی کار آمدن چهره هایی است که احتمالاً باید جای آقای احمدی نژاد را در صورتی که سیاست «نظام» اقتضا کند بگیرند.

طبعاً دکتر نوری زاده و دیگر دوستان سیاسی نویسن من به تدریج به این موضوع خواهند پرداخت اما من شنیده های پراکنده ای را که از اینطرف و آنطرف به گوشم رسیده است باز گو می کنم و بعد هم چند خطی در پایان مقاله جالبی که همسفر جوانم نوشابه امیری نوشته است می نویسم. گفته می شود که اعمال دولت احمدی نژاد به انزوای سیاسی ایران منجر شده و این انزوا دامن زندگی روزمره مردم را گرفته



والتو تراول

Walto Travel

CST# 2033593-10

پرواز از سانفرانسیسکو و لس آنجلس

تایلند	۱۰ روز، ۸ شب (۲ شهر)	۲۲۵۰ دلار
چین	۱۲ روز، ۱۰ شب (۴ شهر)	۲۲۵۰ دلار
مصر	۱۲ روز، ۱۰ شب (۲ روز کروز نیل)	۳۳۵۰ دلار
آرژانتین و برزیل	۱۲ روز، ۱۰ شب (۳ شهر و کارناوال)	۳۳۵۰ دلار
مالزی، سنگاپور، تایلند	۱۴ روز، ۱۲ شب (۴ شهر)	۳۳۵۰ دلار

(323) 655-4445 1-800-821-1006

8484 Wilshire Blvd., Suite 430, Beverly Hills, CA 90211

احمد ریسمانچی

مشاور املاک و سرمایه گذاری

با سالها تجربه در خرید و فروش اماکن مسکونی، تجاری، صنعتی و وام



Mission-Bishop Real Estate



Ahmad Rismanchi

با هر شرایطی برای هر شخصی خانه ای مناسب وجود دارد

- ❖ خرید و فروش خانه
- ❖ خرید و فروش زمین
- ❖ وام مسکن و تجاری
- ❖ تبدیل وام های قدیمی به جدید
- ❖ خرید و فروش و اجاره محل های کسب و کار
- ❖ خرید و فروش و اجاره محل های صنعتی و تجاری

Cell: (510) 938-1855 * Office: (510) 494-2114

Fax: (510) 505-1995

E-mail: ahmadrismanchi@yahoo.com

39180 Liberty Street, Fremont, CA 94538